موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

دیدگاه موافقین حدیث مدینه العلم از میان عالمان اهل سنت

موضوع بحث بررسی سندی روایت مدینه العلم بود. سخن به اینجا رسید که برخی از علمان اهل سنت این روایت را صحیح صحیح و برخی حسن دانسته اند. از جمله کسانی که این حدیث را صحیح دانسته یحیی بن معین است. در منابع چند نقل به ابن معین نسبت داده شده است که ما حصل تحقیق درباره آنها چنین است:

1. در جایی ابن معین حدیث مدینه العلم را صحیح و اباصلت، راوی حدیث را ثقه دانسته است. خطیب بغدادی نقل می کند وی در باره سوالی که درباره اباصلت از او شد گفت: صدوق است البته گرایش شیعی دارد.[[1]](#footnote-1)

2. خطیب بغدادی از عباس محمد الدوری نقل کرده که گفته است شنیدم ابن معین اباصلت را توثیق می کرد. به او گفتم او حدیث مدینه العلم را نقل کرده است، به من گفت الفیدی نیز آن را نقل کرده است.

3. خطیب بغدادی از احمد بن قاسم محرز نقل می کند که گفته است از یحیی بن معین درباره اباصلت سوال شد، یحیی گفت: او دروغ نمی گوید. از وی درباره حدیث مدینه العلم سوال کردم، گفت: آن از حدیث ابی معاویه است. (همان مدرک)

4. خطیب بغدادی باز نقل می کند از ابن معین درباره اباصلت سوال شد، از وی به نیکی یاد کرد. و درباره حدیث مدینه العلم سوال شد گفت این حدیث را فیدی هم نقل کرده است.

5. حاکم نیشابوری از صالح بن حبیب الحافظ روایت کرده که از یحیی بن معین درباره اباصلت پرسیدند، گفت: صدوق است. به او گفته شد او حدیث مدینه العلم را روایت کرده است؟ ابن معین گفت الفیدی هم آن را از ابی معاویه روایت کرده است.[[2]](#footnote-2)

6. ابن حجر عسقلانی از ابن جنید نقل کرده که از ابن معین درباره حدیث مدینه العلم که اباصلت آن را روایت کرده سوال شد گفت: این حدیث را از او نشنیدم اما برایم نقل شده است. از نظر من اباصلت اهل کذب نیست.[[3]](#footnote-3)

7. ابن حجر نقل می کند درباره حدیث مدینه العلم از ابن معین سوال شد، گفت این حدیث صحیح است .

8. خطیب بغدادی از ابراهیم بن جنید نقل می کند که گفته است از یحیی بن میعن درباره عمرو بن اسماعیل بن مجالد سوال شد، پاسخ داد کذاب است. او حدیث مدینه العلم را روایت کرده است و این حدیث کذب است و اصل ندارد.[[4]](#footnote-4) ابن حنید متوفی 270 هجری و معاصر یحیی بن معین بوده است.[[5]](#footnote-5)

9. ابوزرعه که معاصر یحیی بن معین بوده نیز همین مطلب را نقل کرده است.

10. خطیب بغدادی از یحیی بن احمد بن ضیاء نقل می کند که گفته یحیی بن معین حدیث مدینه العلم که از ابی معاویه نقل شده است را به شدت انکار کرد.

بررسی کلام ابن معین .

در این باره چند نکته قابل توجه است:

1. نکته اول اینکه ابن معین هیچ جا اباصلت هروی را قدح نکرده است فقط در یک جا گفته است وی را نمی شناسم[[6]](#footnote-6). مدح های وی از اباصلت و این تعبیر که او را نمی شناسم با هم در تعارض نیستند زیرا طبق رویه عادی و عقلایی می توان گفت وی قبلا او را نمی شناخته و بعدا با وی آشنا شده است. بله قدح و مدح با هم در تعارض هستند و در صورتی که مدح اول باشد، قدح مقدم است و اگر قدح مقدم باشد، مدح مقدم است.

2. در مورد اینکه وی یک جا حدیث مدینه العلم را صحیح دانسته و یک جا رد کرده، خطیب بغدادی گفته است ابن معین قبل از این که اباصلت را بشناسد و حدیث از فیدی برایش نقل شود، چون حدیث را از مجالد شنیده است آن را رد کرده است اما بعد از شناخت اباصلت و اینکه حدیث از فیدی هم نقل شده است حدیث را توثیق کرده است.[[7]](#footnote-7) مولوی حسن الزمان نیز این مطلب را در کتاب «القول المستحسن» آورده است . همچنین احمد بن صدیق الغماری صاحب کتاب «فتح الملک اعلی (ع)» گفته است دیدگاه یحیی بن معین در رد حدیث مربوط به زمانی است که اباصلت را نمی شناخته است .

شاهد این مساله نیز همان کلام صاحب نفحات است که می فرماید شخصیت های بزرگی مانند ابن حجر که خود وزنه ای در علم حدیث است و یا صلاح الدین علایی که حدیث را توثیق کرده اند، یحیی بن معین را جز کسانی دانسته اند که حدیث را صحیح دانسته است.

عالمان اهل سنت که حدیث را حسن دانسته اند

1. حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی در «کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب(ع)» گفته است حدیث مدینه العلم حسن و عالی است و این حدیث درباره علی (ع) زیاده گویی نیست .

2. حافظ صلاح الدین علایی این حدیث را معتبر دانسته و گفته است کسانی که حدیث را جعلی دانسته اند خطا کرده اند و حدیث به لحاظ سند حسن است و متن آن منکر نیست (فیض القدیر).

3. مجد الدین فیروزآبادی در کتاب «النقد الصحیح» گفته است: مجعول دانستن این حدیث قطعا باطل است و این حدیث از دو طریق یکی از ابی معاویه و یک شریک (حدیث انا دار الحکمه)، از درجه حسن برخوردار اند.[[8]](#footnote-8)

4. شمس الدین جزری (م 833) در کتاب «اصل المطالب»، ص 70 حدیث را نقل کرده و آن را درست دانسته است.

5. ابن حجر عسقلانی در «لسان المیزان» ج2 ص 155 گفته است حدیث در مستدرک حاکم طرق زیادی دارد و حدیث دارای اصل است و صحیح نیست که آن را مجعول بدانیم . [[9]](#footnote-9)

6. نویسنده کتاب «المقاصد الحسنه»، ص 123 این حدیث را معتبر دانسته است.

7. شیخ محمد بن یوسف الشامی در کتاب «سبل الهدی و الرشاد»، ج11، ص 292 گفته است صواب آن است که حدیث حسن است.

8. ابن حجر مکی در برخی آثار خود حدیث را حسن دانسته است.

9. صاحب کتاب «تنزیه الشریعه عن الحادیث الموضوعه» نیز به درستی این حدیث اشاره کرده است.

10. بدرالدین زرکشی شافعی نیز حدیث را حسن دانسته است.

11. سبط ابن جوزی در کتاب «تذکره الخواص» این حدیث را حسن و نقدها را رد کرده است. وی در آغاز باب دوم کتاب خود که به ذکر فضایل امیرالمومنین (ع) اختصاص دارد می گوید من در میان فضایل امیرالمومنین (ع) آنچه را ثابت تر و مشهور تر است برگزیدم. دسته ای از این فضایل از قرآن کریم استنباط می شود و برخی از سنت واضح پیامبر (ص).

12. طلحه شافعی در کتاب «مطالب السئول فی مناقب آل الرسول (ع)»، ص 92

13. کازرونی در «مفتاح الفتوح» با توجه به حدیث مدینه العلم، یکی از القاب امیرالمومنین (ع) را باب العلم دانسته است.

14. جلال الدین زرندی در «نظم درر السمطین»، ص 20

15. کمال الدین ایجی.

افرادی دیگری نیز این حدیث را حسن دانسته اند. در این باره به نفحات الازهار، ج10 و الغدیر علامه امینی، ج6 مراجعه شود.

انشاء الله در جلسه آینده به بررسی کتاب «فتح الملک العلی (ع)» از احمد بن صدیق المغاری می پردازیم که به زیبایی و از نه طریق اعتبار این روایت را اثبات کرده است .

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. تاریخ بغداد، ج11، ص 48 [↑](#footnote-ref-1)
2. مستدرک، حاکم نیشابوری، ج3، ص 105 [↑](#footnote-ref-2)
3. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، 5 [↑](#footnote-ref-3)
4. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج11،ص 204 . این مطلب در کتاب سوالات ابن جنید نیز آمده است . [↑](#footnote-ref-4)
5. سیر اعلام النبلا، ذهبی، ج10، شماره شخصیت 2216 [↑](#footnote-ref-5)
6. تاریخ بغداد، خطیب خوارزمی، ج12، ص 315، ح3595 [↑](#footnote-ref-6)
7. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج12 [↑](#footnote-ref-7)
8. الغدیر، علامه امینی، ج6، ص 96 [↑](#footnote-ref-8)
9. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج2، ص155 [↑](#footnote-ref-9)